اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۱۹۹)

رشد معنوی (۳)

نماز و سبک زندگی (۱)

قرآن نماز را یک سیستم مبتنی بر وقت و زمان معرفی میکند (إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا = نماز برای مومنین یک کتاب و سیستم مبتنی بر زمان است)**. هر نماز یادآور خدای رحمان در بخشی از روز است و مانع از غرق شدن در امورات مادی می‌شود. اوقات نماز به طرز عجیبی با نور خورشید و تاریکی شب و روشنایی روز ربط دارند. اوقات نماز با حرکت طبیعی خورشید و تغییرات نور روز تنظیم شده که نشان‌دهنده هماهنگی عبادت با نظام هستی**

رحمانی است (أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ =نماز را از زوال خورشید تا نهایت تاریکی شب برپا دار)**. این نوع هماهنگی، نکات خیلی جالبی را در خود دارد. ما حتی باید اوقات نمازهای خود را با سیستم و نودهای رحمانی هماهنگ کنیم. انگار در ابتدا و انتهای روز و شب، شرایط خاصی برقرار است که باید در آن اوقات، هوشیاری ذهنی خویش را دوباره بدست آوریم و در آن اوقات باید مواظب بعضی اتفاقاتِ در کمین باشیم** (وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ = نماز را در دو طرف روز و اوایل شب برپا دار)**. انگار در هرکدام از این اوقات و نقطه ها، اتفاقات خاصی می افتند و ما باید در این نقاط به هوش باشیم و دست از امور روزمره و شب مره خود بکشیم. در این نقاطِ زمانی که نماز بر ما نوشته شده است، خطراتی متوجه انسان است که خود انسان متوجه پیامدهای آن نیست و آن را حس نمی کند و به همین خاطر بجا آوردن نماز خیلی مهم است و همین نکته نماز را به یک امر ضروری مثل غذا خوردن و حتی مهمتر برای ما تبدیل میکند. خدای رحمان فقط چند بار در قرآن توصیه به خوردن و آشامیدن کرده است، اما صدها بار توصیه به نماز کرده است. هیچکس وعده های صبحانه و ناهار و شام یادش نمی رود؛ اما همین دقت را در مورد زمانهای نماز بکار نمی گیرند. زیرا مردم به معنویت اهمیتی نمی دهند. اما اگر مربی یوگا به شاگردش توصیه کند که روزانه دو ساعت مشغول یوگا شوید، بی**

درنگ و منظم آن را انجام میدهند. در حالی که هر نماز کلا چند دقیقه بیشتر طول نمی کشد.

خدای رحمان وقتی از اوقات نمازها صحبت می فرمایند، از زوال خورشید (دُلُوکِ الشَّمْسِ) **و تاریکی شب** (غَسَقِ اللَّيْلِ) **صحبت می فرمایند. اینها نکات مهمی را در خود دارند. خورشید هر روز زوال پیدا میکند و تاریکی شب فرا میرسد. به نظر من وقتی نمازها را بجا میاوریم، باید این نشانه ها را نگاه کنیم تا تفهیم شویم که هر چیزی غیر از خدا زوال پیدا میکند و آنچیزی که همیشه هست و خواهد بود، خداست و لاغیر.**

وقتی نماز ظهر است، حتی الامکان اگر مقدور بود، زیر آفتاب نماز بخوانیم و اگر شب بود، حتی الامکان در تاریکی شب نماز بخوانیم. اینها را میتوان از آیات قرآنی فهمید. نماز یک سیستم مبتنی بر اوقات است و بنابراین خیلی منطقی به نظر میرسد که هر نمازی با شرایط آن وقت برگزار شود. اینها در فرآیند مغتسل شدن با نظام رحمانی موثر است و قطعا در فرآیند طهارت جسمی و روانی هم موثرند. هر نمازی خصوصیات مخصوص به خود را دارد. اگر یکی از نمازها را از دست دهیم، دیگر قابل جبران نیست و تنها کاری که می توانیم انجام دهیم این است که سعی کنیم نماز بعدی را از دست ندهیم. زیرا هر نمازی باید در وقت و تایم خودش اجرا شود و گرنه کار عبثی است.

بنابراین خرید و فروش نماز برای مرده بی معنی است. حتی یک فرد زنده هم نمی تواند نماز از دست رفته اش را جبران کند، چه برسد به یک فرد مرده. به همین خاطر خدای رحمان در قرآن هیچ کفاره ای برای نماز از دست رفته قرار نداده است، زیرا به هیچ روشی قابل جبران نیست.

ما باید تایم کاری و تغذیه و خواب خود را براساس اوقات نماز تنظیم کنیم. اوقات نماز هر کدام معنای خاصی دارند و معنویت واقعی در رعایت اینها بدست میاید.

نماز صبح:

نماز صبح، نماز بیداری است. اما این بیداری باید بیداری روانی هم باشد. بیداری از خوابهای آشفته، بیداری از تفکرات و ترسهای شبانه، بیداری از آرزوها و امیال مبهم و تاریک شبانه. بیداری از جهالت و تاریکی و بیداری از ظلمات. اگر این بیداری آگاهانه انجام نشود، از ظلمات به سوی نور نمی رویم. اما اگر آگاهانه انجام شود، ما را از ظلمات به سوی نور خارج می کند.

آیه 30:17

فَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ

پس الله را تسبیح گویید؛ هنگامی که شام می کنید و هنگامی که صبح می کنید.

آیه 30:18

وَلَهُ ٱلْحَمْدُ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

و حمد و ستایش مخصوص اوست، در آسمان‌ها و زمین، و عصرگاهان و هنگامی که ظهر می کنید.

همانطور که در آیه مشاهده می کنید، مومنان واقعی در اوقات مشخصی خدای را شکرگزاری و او را به پاکی یاد میکنند. عبارت وَلَهُ ٱلْحَمْدُ **یعنی شکرگزاری و عبارت** فَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ **یعنی خدای را به پاکی یاد کردن و او را از هرگونه چیزی که شایسته او نیست، منزه دانستن.**

تمام موجودات جهان به تسبیح خدا مشغول هستند ولی ما آدمیان به تسبیح آنها پی نمی بریم. اینکه انسان مثل سایر موجودات به تسبیح خدای روی آورد، کار شاقی نکرده است و بلکه تازه هم سطح آنها شده است. اگر یونس تسبیح گوی نبود، ازشکم ماهی نجات نمی یافت. خدا همانطور با ما رفتار میکند، که او را در نمازها به یاد می آوریم. وقتی خدای را تسبیح گوئیم، یعنی او را از هر گونه ظلم و ستم و بی توجهی و مشکل مبرا می دانیم؛ در نتیجه

خدا هم به وقتش ما را از ظلم و ستم نجات میدهد. تسبیح یعنی خدا را از هر گونه بی عدالتی و بی توجهی مبرا دانستن. وجود مشکلات متعدد در جامعه بخاطر خود ما انسانهاست؛ هر مشکلی هست از خود ما انسانهاست. باید از نظر فکری منشاء و مبداء این مشکلات را به سمت و سوی خدای رحمان متوجه نکنیم و او را از این مشکلات مبرا و منزه بدانیم. حمد و تسبیح مخصوص خدای تنهاست. آن کسی که باید حمد و تسبیح شود، فقط خداست و کسی غیر از او نباید در این امر شریک داده شود.

توجه شود که این مفاهیم قرآنی به آن معنا نیست که یک تسبیح دست بگیریم و این عبارات را تکرار کنیم. بلکه این دو در بازه های زمانی مشخصی باید به یک سبک زندگی تبدیل شوند. شکرگزاری (الحمد لله) و خدا را به پاکی یاد کردن (تسبیح) دو مفهوم عالی در زمان بندی ها هستند. اینها معنا هستند و صرفا لغات نیستند. وقتی آیه می فرماید که خدا را تسبیح کنید؛ به آن معنا نیست که روزی صدبار بگوئید سبحان الله. بلکه به آن معناست که در زمانهای مشخصی، دوباره خدا را بیاد آورید و او را از هرگونه شک و شبهه و گمان بد و ظلم و ستم به بندگان مبرا کنید. تسبیح خدای رحمان، پیوستگی های دیگر را از بین می برد و می شوید و می برد.

نماز ظهر:

نماز ظهر، نمازی است در دل و وسط روز تا در تجارت و کار و حرفه برای مدتی وقفه ایجاد کنید. زیر آفتاب وضو بگیرید و زیر آفتاب نماز بخوانید؛ تا نور آفتاب به شما بخورد و این روش در آرامش انسان قطعا مهم است و حتی برای کسب ویتامین دی سه هم مفید است. مزیت زندگی ما انسانها به زندگی اجنه همین هاست. همین طبیعت و زمان بندی هاست. ما از خاک درست شده ایم و قطعا از همین لایه خاکی می توانیم برای ایجاد معنویت در خود استفاده کنیم. ما در زمان محصور هستیم و همین محصور بودن در زمان برای ما میتواند یک مزیت و نعمت باشد.

کسانی که میخواهند همه چیز را در ذهن خویش حل کنند، در نهایت به نتیجه نخواهند رسید. شیطان خیلی اصرار دارد که انسان را از لایه خاکی دور کند و آنان را به سمت مدیتیشن و وحدت وجود و مسائل صرفا ذهنی بکشاند؛ تا آنان را از اهرم بسیار قدرتمند لایه خاکی محروم کند، زیرا اجنه و شیاطین خودشان از لایه خاکی محروم هسستند و نمی توانند از مزایای آن استفاده کنند. استفاده از لایه خاکی برای انسانها یک مزیت بحساب میاید. شیطان در محاسباتش اشتباه کرد و در آن موقع برتری لایه ناری را بر لایه خاکی مطرح کرد که امروز اتفاقا برعکس شده است و تنها راز موفقیت و کسب معنویت

برای انسانهاست. چیزی که شیطان به عنوان برتری خود بر انسانها مطرح کرد این بود که گفت آتش بر خاک تسلط دارد و برتر است. اما همین لایه خاکی میتواند به عنوان مزیت به حساب آید. زمانی که ظهر است و زیر نور خورشید وضو می گیرید و بعد زیر نور خورشید نماز می خوانید، از نظر بدنی تحرک و فرآیندهایی در شما بوجود میاید که همسو با معنویت رحمانی است و این بزرگترین ضربه به وسوسه های شیطان است. نماز و روزه اعمالی هستند که با بدن خاکی ما انجام میشوند و مثل اهرم عمل میکنند. شما با دست خالی در نهایت می توانید بیست کیلو وزنه بردارید. اما اگر از یک اهرم استفاده کنید، می توانید ده برابر آن را هم بردارید. معنایی که شما سالها در ذهن خود دنبال حل کردنش هستید، بوسیله اهرم نماز و روزه براحتی حل میشوند.

نماز عصر:

نماز عصر، نماد آخر الزمان است. هر جامعه و حتی هر فردی آخر الزمانی دارد مخصوص به خود. آخر الزمان یعنی رسیدن تضادها و اختلافها و مشکلات به حداکثر خود. زمان نماز عصر نزدیک زوال آفتاب است. هر کسی عصر و دوره ای دارد که بمرور آن را از دست میدهد. این نماز، یادآور مفاهیم سوره العصر هستند که در آن تمام انسانها چاره ای جز اجرای چرخه نیک (پندار

نیک، کردار نیک، گفتار نیک، گفتار صبر) ندارند و گرنه دچار خسران میشوند. هر انسانی باید در طول شبانه روز در حین نماز عصر، دوباره به پندار نیک و کردار نیک و گفتار نیک و گفتار صبر برگردد و گرنه روزش را خراب میکند و دچار خسران میشود. هر روز در حین نماز عصر، باید این چرخه نیک خود را چک کنیم و آنرا دوباره بازبینی کنیم.

نماز مغرب:

نماز مغرب، نشانه ناپدید شدن و افول خورشید است. در طول روز از آفتاب استفاده میکنیم و به آن وابسته میشویم، ولی بالاخره افول میکند. البته هر چیزی و هر کسی غیر از خدا، غروبی دارد و بالاخره افول میکند. بعد از آخرالزمان که عصر بود، غروب و افول تمدنها رخ میدهد. در آخرالزمان اصلی، تمدن بشریت برای همیشه نابود میشود و این همان قیام آخر الزمان است که توسط خود خدای رحمان صورت می گیرد.

نماز عشاء:

نماز عشاء، نشانه پایان کامل گرگ و میش است و شب تاریک شروع میشود و آن وقت زمان سبت و استراحت شبانه است. نماز عشاء برای پایان دادن به

سیستم گرگ و میش انجام میشود و زمان وارد شب تاریک میشود و دیگر بعد از آن قوانین شب برقرار میشود.

با زمان بندی روز براساس اوقات نماز، کل روز و شب خود را حالت معنوی می دهیم. به این طریق به یک ارتباط و دعای دائمی با خدا می رسیم. زندگی انسان بعد از مدتی به یک حالت اتوماسیون مصنوعی می رسد که خدای رحمان با گذاشتن نمازها در اوقات مشخصی، انسان را از آن اتوماسیون نجات میدهد و به انسان یادآوری میکند که تو انسانی و ماشین نیستی و پس در اتوماسیونهای مصنوعی ساخته دست خودت غرق نشو و گرنه از نظر جسمی و معنوی، بیمار می شوید.

نماز یک نوع زمانبندی است. تمام روشهای دیگر معنوی که ضد نماز عمل میکنند، به صورتها و اشکال مختلف زمانبندی های مصنوعی و جایگزین ایجاد میکنند. مثلا شما اگر پیش دعانویس بروید، این آخرین بار شما نخواهد بود و این دیدارها با دعانویس همچنان ادامه پیدا می‌کند و یکبار دوبار نخواهد بود. زیرا در واقع دعانویس برای شما یک زمان‌بندی تعیین می‌کند. اینکه هر از چند گاهی پیش دعانویس می روید، یعنی دعانویس یک برنامه زمانی برای شما تعیین کرده است و شما به آن اهمیت می دهید و این نماز و صلات شما خواهد شد.

حتی پرندگان و سایر موجودات هم نماز مخصوص خود را دارند و قطعا زمانبندی های مخصوص خود را دارند و از آن تخطی نمی کنند. یک خروس صبح زود بیدار میشود و آواز میخواند. این زمانبندی خروس است و زندگی او بر این زمانبندی استوار است. خروس اگر به وقتش نخواند، بیمار است. این رویه برای انسان هم صادق است. انسان اگر نماز نخواند، بیمار است و البته شاید خودش متوجه نباشد. تنظیم ساعت برای اوقات نماز زیاد جالب نیست. اینها پوشش و پوسته هستند که نمی گذارند آدمی با طبیعت رحمانی مچ شود. آدمی باید خودش آگاهانه وقتهای نماز را بشناسد و برای نمازش در این اوقات آگاهانه و خودخواسته بیدار شود و قیام کند. انسان باید به مرحله ای برسد که خودش اتوماتیک اوقات نمازها را تشخیص دهد و در آن اوقات قیام کند.

همانطور که قبلا گفته شد، استفاده از مراکز درمانی و داروهای مصنوعی در شرایط اضطراری منعی ندارد و در حالت ناچاری مشکلی ندارد. زیرا بشر خودش را به اینها وابسته کرده است. اگر کسی بتواند از این روشها برای درمان استفاده نکند، که خیلی بهتر است. اما اگر بطور اضطراری مجبور شد، مانعی ندارد. این سوال در قسمت های درمان بیماری، مورد بحث قرار گرفت. اما وقتی شما به طور غیراضطراری پیش بعضی مراکز درمانی می‌روید، آنها برای شما یک زمانبندی تعیین می‌کنند. قرص‌ها و داروهای مشخصی را برای

شما تجویز می‌کنند که باید در زمانهای مشخصی آن را مصرف کنید. تمام این گروهها زمان بندی های خودشان را دارند. همانطور که در قسمتهای قبلی گفته شد، در صورت رعایت دستورات خدای رحمان و نمازها، مراجعه شما به مراکز درمانی به حداقل خواهد رسید. در صورت اجرای دستورات خدای رحمان، اصلا ما به یک سری مشکلات برخورد نخواهیم کرد تا نیازی به مراجعه به جایی باشد.

جالب است که افراد این نوع زمان‌بندی ها را به دقت رعایت می‌کنند و به آن احترام می‌گذارند و فکر می‌کنند که سلامتی آنها در رعایت این زمان‌بندی ها است. اما برای زمان بندی نماز که دستور خدای رحمان است؛ اهمیتی قائل نمیشوند. این است که بیشتر مشکلات بشر ساخته خودش است.

خدای مهربان از عبادت شبانه صحبت فرموده است، اما از عبادت دسته جمعی شبانه صحبت نفرموده است. زیرا شب‌ها محل سکون و ثبات است تا که روز خود را پر بهره سازیم.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ﴿٢٦﴾

و بخشی از شب را در برابر او سجده کن و شب[های] دراز او را به پاکی بستای (۲۶)

إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ﴿٢٧﴾

اینان دنیای زودگذر را دوست دارند و روزی گرانبار را [به غفلت] پشت سر می افکنند (۲۷)

همانطور که می بینید وقتی از عبادت شبانه صحبت می فرمایند، افعال مفرد استفاده می فرمایند (قُمِ ٱلَّيْلَ).

آیه 73:1

يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمُزَّمِّلُ ای جامه برخود پیچیده.

آیه 73:2

قُمِ ٱلَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا شب را جز اندکی بپا خیز (و عبادت کن).

خدای رحمان نماز دسته جمعی روز جمعه را در روز جمعه انداخته است و نه در شب جمعه. میتوانست آن را در شب جمعه بیندازد که همه از سر کار برگشته باشند؛ اما این کار را نکرد. زیرا در قرآن، به عبادت دسته جمعی شبانه اشاره ای نشده است. عبادت دسته جمعی شبانه ضررات زیادی دارد که مفهوم سبت و آرامش شبانه را به هم می ریزد. اینها نکات مهمی هستند که میخواهند به ما بفرمایند که شبها را عبادت کنید ولی به صورت فرادا و نه دسته جمعی.

خدای حکیم و مهربان در آیه بالایی از شب‌های طولانی صحبت می‌فرماید که در آن باید برای روزهای سنگین پیش رو آماده شویم. در میترائیسم، برخی از آئین‌ها و مراسمهای دسته جمعی در شب برگزار می‌شدند. این مراسم معمولاً به دلیل ارتباط با نمادهای نور و تاریکی و همچنین به منظور ایجاد فضایی خاص برای عبادت انجام می‌شدند. ایجاد فضایی تاریک و حضور دسته جمعی مردم در آن و نور افشانی های سیاه و قرمز در آن فضای خاصی ایجاد میکرد. در هندوستان هم جشن دیوالی، که به عنوان جشن نورها شناخته می‌شود، شامل مراسم شبانه‌ای است که در آن معابد و خانه‌ها با چراغ‌ها و شمع‌ها روشن می‌شوند و دسته جمعی به آن می پردازند. در آئین میترائیسم هم برخی از مراسم قربانی نیز در شب انجام می‌شد. این قربانی‌ها به منظور جلب رضایت میترا و دیگر ایزدان انجام می‌گرفت. در شمنیسم، مراسم و دعاها معمولا دسته جمعی در شب برگزار می‌شدند تا ارتباط با ارواح و نیروهای ماورایی برقرار شود. در برخی از سنت‌های بودایی، مدیتیشن در شب به عنوان راهی برای رسیدن به آرامش و روشنایی روحی انجام می‌شود.

شاعران هم شب شعرها را در شب انجام میدهند و این خیلی عجیب است که چرا مراسم شعرخوانی در شب برگزار میشود. برای شعرخوانی در شب یک گروه جمع میشوند و به شعرخوانی می پردازند. اینها نکات مهمی را برای ما ثابت میکنند. بعضی مسلمانان هم شبهای رمضان، نماز تراویح را به صورت

دسته جمعی انجام میدهند که این مراسم بیشتر قرآن خوانی است و ربطی به نماز ندارد.

شب در قرآن برای سکون و سبت و آرامش است. کسی هم که بخواهد شب زنده داری کند، حتما باید به عبادت فردی بپردازد. عبادت شبانه بصورت فردی است و نه دسته جمعی. گروههای فراماسونری و شیطانی عبادتهایشان را به صورت دسته جمعی و شبانه انجام میدهند. شبکه های تلویزیونی فیلمهایشان را در شبها پخش میکنند و جمع زیادی در زمان معینی آن را نگاه میکنند و به این طریق زمان بندی خودشان را به مردم دیکته میکنند و این ها هم یک نوع عبادت دسته جمعی است.